

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی ششمین طائفه از آیات دال بر مشروعیت جهاد ابتدایی؛

بحث ما در آیاتی است که دلالت بر وجوب جهاد ابتدایی دارد، ما تا به حال آیات متعددی را مورد بحث قرار دادیم و به خوبی وجوب جهاد ابتدایی را از این آیات، استفاده کردیم.

بررسی شان نزول آیات ابتدایی سوره ی مبارکه توبه؛

یکی از آیاتی که ربما يقال به اینکه ممکن است از آن مسئله ی جهاد ابتدایی استفاده شود آیات مبارکه سوره توبه است. در سوره توبه که تنها سوره ای است که بدون (بسم الله الرحمن الرحيم) شروع شده آیاتی وجود دارد که دال بر مشروعیت جهاد ابتدایی است؛ چه اینکه آیات اولیه ی سوره توبه، بحث جنگ و جهاد را مطرح کرده، که ابتداء بایسته است آیات خوانده شوند و سپس ترجمه ی ابتدایی از این آیات بشود تا بعد ببینیم چطور می شود به این آیات برای مدعا استدلال کرد و آیا استدلال به این آیات بر مدعا تمام است یا خیر؟

خداوند متعال در این سوره ی مبارکه می فرماید: (بِرَاءَةٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ) اعلان برائت کن از ناحیه ی خدا و رسول، یا اعلان برائت، آن کسی که مأمور بوده تا سوره توبه را بخواند که ملاحظه کردید هم شیعه و هم سنی اتفاق دارند که ابتداء پیامبر اکرم (ص) به ابوبکر فرمود: برود و این آیات را بخواند، ولی بعد جبرئیل (ع) نازل شد و دستور داد که این سوره را باید امیرالمؤمنین (ع) بخواند؛ البته نه اینکه رأی پیامبر اسلام عوض شده باشد، بلکه جبرئیل (ع) این دستور را از طرف خداوند به پیامبر (ص) داد. در نتیجه امیرالمؤمنین (ع) این آیه را خواندند که (بِرَاءَةٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ) برائتی از جانب خدا و رسول (ص) نسبت به کسانی که شما مسلمانان، با آنها از مشرکین پیمان بستید.

بررسی اجمالی معانی آیات 1 تا 16 سوره توبه؛

آیاتی که از این سوره، لازم است مورد عنایت قرار گیرد عبارتند از:

(بِرَاءَةٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ) (1) فَسَبِّحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَ أَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ) (2) وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ) (3) إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَ لَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَى مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ) (4) فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ

در آیه چهارم هم خداوند متعال می‌فرماید: **(إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ)** یعنی تا اینجا مشرکین دو گروه شدند:

گروه اول: یک گروه آنهایی هستند که مسلمین با آنها معاهده دارند، و پیامبر اکرم(ص) در حدیبیه با آنها بر ترک مخاصمه و بر شرایط دیگری، معاهده کردند؛

گروه دوم: یک گروه از مشرکین، گروهی هستند که مسلمین با آنها عهد و پیمانی ندارند.

ما تا اینجا این دو گروه را از آیه به خوبی استفاده می‌کنیم، آن وقت آن گروهی که مسلمین با آنها عهد و پیمان دارند، به آنها چهار ماه مهلت داده شده، ولی این گروهی که مسلمین با آنها عهد و پیمان ندارند، به اینها هیچ مهلتی داده نمی‌شود. چه اینکه در آیه چهارم می‌فرماید: **(إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ)** کسانی که شما با آنها عهد بستید از مشرکین **(ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا)** شما مسلمان‌ها در مورد آن عهد هیچ کم و فروگذار نکردید؛ یعنی به عهد خودتان عمل کردید **(وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ)** مشرکین و کفار کسی را علیه شما مسلمان‌ها تقویت نکنند. **(أَحَدًا فَأَتَمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ)** حالا این عهد را تمام کنید، اما **(إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ)** تا زمان خودش، یعنی تا زمانی که این عهد را با اینها دارید، مثلاً صلح حدیبیه چند سال بوده؟ تا چه زمانی ترک مخاصمه باید می‌شده است؟ تا همان زمان به پیمان خودتان عمل کنید زیرا **(إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ)**.

البته یک بحثی در فقه سیاسی هست که آیا کشور اسلامی، یا حکومت اسلامی، پیمانی را که الآن با کفار می‌بندد، این وجوب وفا دارد یا خیر؟ آیا **(أَوْفُوا بِالْعُقُودِ)** خطاب به مؤمنین است؟ چون در سوره مبارکه مائده آمده است که: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ)** کسی بگوید وجوب وفاء به عقد در میان مؤمنین است، بالأخره یکی از احتمالات است که کسی بگوید این وجوب وفاء به عهد آنجایی است که عقدی در میان مؤمنین بسته شده باشد، اما اگر کشور اسلامی یا یک مؤمنی عقدی را با یک کافری بست بگویم وجوب وفا ندارد که این باید البته در همان آیه **(أَوْفُوا بِالْعُقُودِ)** بحث شود.

اینجا خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: اگر پیمانی را با کفار بستید و آنها به پیمانشان عمل کردند شما هم تا پایان مدت پیمان باید به آن عمل کنید که اگر کسی از آن آیه وجوب وفاء به عهد در میان مؤمنین را استفاده کرد، آن وقت این آیه توسعه می‌دهد و می‌گوییم او که برای غیر مؤمنین نفی نکرده، می‌گوید: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ)**، علاوه بر اینکه ما در جای خودش داریم که کفار هم مکلف بالفروع هستند، همان طوری که مکلف به اصول‌اند، غیر از قاعده اشتراک، این آیه هم توسعه می‌دهد و می‌گوید: اگر با کفار و مشرکین هم پیمانی بستید حق اینکه نقض کنید را ندارید.

آیه پنجم: بعد از اتمام زمان پیمان، وجوب توبه مشرکین و کفار یا قتل آنها؛

در آیه بعد می‌فرماید **(فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ)** وقتی از اشهر حُرُم بیرون آمدید؛ سلخ، کندن پوست را می‌گویند، گوشت گوسفند را اگر از پوستش کاملاً بیرون بیاورند؛ عرب می‌گوید سلخ، سلاخی. وقتی شما از اشهر حرم بیرون آمدید **(فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ)** هر جا که مشرکین را دیدید بکشید **(وَخُذُواهُمْ)** اسیرشان کنید **(وَاحْصُرُوهُمْ)** محاصره‌شان کنید **(وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ)** در کمین گاه اینها بنشینید و اینها را بگیرید، باز **(فَإِنْ تَابُوا)** اگر اینها توبه کردند **(وَاقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ)** اگر اینها نماز و زکات و ... انجام دادند رهایشان کنید و اذیتشان نکنید **(إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ)** خدا توبه را می‌بخشد. ما در باب جهاد ابتدایی که در فقه می‌گوییم یا توبه یا کشته شدن! ریشه‌اش در همین آیاتی است که تفصیلاً ان شاء الله بحث می‌کنیم، الآن یک سیر اجمالی نسبت به این آیات داریم.

بعد خداوند متعال می‌فرماید: (وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ) ای رسول ما اگر یکی از مشرکین آمد به تو پناه آورد، به او پناه بده (حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ) در باب جهاد ابتدایی می‌گوییم به مشرک نمی‌گوییم یا مسلمان شو و یا همین الآن کشته می‌شوی؛ بلکه باید کلام خدا را به او عرضه کرد، برهان و دلیل و قرآن و همه‌ی اینها را به او عرضه کرد (ثُمَّ أبلغه مأمته) بعد این را به یک محل امنی برسان (ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ).

آیه هفتم: وجوب استقامت مومنین بر پیمان، تا زمان وفاداری کفار بر پیمان؛

بعد خداوند متعال در آیه هفتم می‌فرماید: (كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ) مشرکینی بودند که ولو اینکه با پیامبر(ص) عهد بسته بودند، اما دنبال شکستن عهدشان بودند. خدا می‌فرماید: چگونه به نفع مشرکین در نزد خدا و رسول(ص) عهدی باقی باشد، یعنی ما قبول نداریم، اینها دنبال این هستند که عهد را بشکنند و یا شکستند! (إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ) مگر کسانی که در کنار مسجد الحرام با آنها پیمان بستید، یعنی اینها گروهی بودند که بر پیمان خودشان وفادار بودند، آنهایی که کنار مسجدالحرام با رسول خدا(ص) پیمان بستند در میان مشرکین آدم‌هایی بودند که وفادار به این پیمانشان بودند؛ بعد خدا می‌فرماید: (فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ) یعنی تا مادامی که آنها بر پیمانشان وفادارند شما هم بر همین پیمان استقامت کنید زیرا (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ).

آیه هشتم: تمایز زبان و قلب کفار و مشرکین نسبت به مسلمین؛

و در ادامه خداوند متعال در آیه هشتم می‌فرماید: (كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَقْبِضُوا فِئَكُمْ) می‌فرماید: چطور پیمان اینها ارزش داشته باشد، در حالی که اگر مشرکین بر شما پیروز شوند، اصلاً هیچ رعایت نزدیکی و ذمه و خویشاوندی با شما نمی‌کنند، نمی‌گویند که این پسرعموی ماست، لذا او را نگه داریم (إِلَّا وَلا ذِمَّةَ). (يَرْضَوْنَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ) مشرکین با لسان‌شان شما را راضی می‌کنند (وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ) اما دلشان از شما إبا دارد. این یک نکته‌ای است که واقعاً در کفار زمان خودمان هم می‌بینیم، در این ابرقدرت‌هایی که الآن در دنیا هستند همین ملاک در آنها هست، اینها با زبان، دنبال راضی کردن مسلمان‌ها هستند، اما (تَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ)، قلوب اینها إبا دارد از اینکه مسلمان‌ها را قبول داشته باشند (وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ).

آیه نهم: پیمان شکنی اکثر کفار و مشرکین؛

بعد در آیه نهم می‌فرماید: اکثرشان پیمان شکن هستند. (اشْتَرَوْا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا) آیات خدا را مشرکین با یک پول قلیل فروختند، (فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ) از راه خدا سد کردند، (إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) عمل خیلی بدی انجام دادند.

آیه دهم: چیرگی مشرکین بر مسلمین، مساوی با نابودی مسلمین است؛ بعد در آیه نهم می‌فرماید: (لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلا ذِمَّةً) باز در اینجا دو مرتبه می‌فرماید: این مشرکین آدم‌هایی هستند که (لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ)، در مورد افراد با ایمان، ذمه و خویشاوندی را رعایت نمی‌کنند و نمی‌گویند این قوم و خویش ماست و او را نکشیم، اگر بر شما چیره شوند، شما را از بین می‌برند (وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ).

آیه یازدهم: اهل پیمان در صورت توبه، برادر دینی مسلمین می‌شوند؛

بعد می‌فرماید: (فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ) اگر توبه کردند، نماز خواندند، زکات دادند حالا برادر شما در دین می‌شوند، ولی در آیه پنجم توبه فرمود: (فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ) اینجا می‌فرماید: (فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ) آیا موردش دو تاست؟ آنها اگر توبه هم کردند به حال خودشان رهاشان کنید، اما اینجا که پیمان دارند اگر مسلمان شدند یک عنوان بالاتر دارند، اینجا (فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ)، حالا باز به این هم برمی‌گردیم (وَنُقَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ).

آیه دوازدهم: بعد از عهد شکنی، با کفار و مشرکین مقاتله کنید؛

بعد می‌فرماید: (وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ) اگر پیمان را شکستند بعد از عهدی که با شما بستند (وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ) در دین خدا و در دین شما طعنه و اشکال وارد کردند (فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ) مقاتله کنید و با ائمه‌ی کفر جنگ کنید (إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ) اینها پیمانی ندارند (لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ) شاید دست بردارند. آیا خصوص ائمه‌ی کفر (لَا أَيْمَانَ لَهُمْ) هستند؟ یا کلّ مشرکین (لَا أَيْمَانَ لَهُمْ) هستند؟ یعنی عهدی که می‌بندند همانند عهد نبستن است؟

آیه سیزدهم: مشرکین دائماً پیمان شکن‌اند، از خدا باید ترسید، نه از کفار و مشرکین؛

بعد می‌فرماید: (أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ) مشرکینی که پیمان را شکستند (وَهُمْ أَوَّلَ بَأْسٍ بِهِمْ) اینها رسول خدا (ص) را از مکه بیرون کردند (وَهُمْ يَدْعُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ) آنها اول شکستن پیمان را شروع کردند (أَلَا تَخْشَوْنَهُمْ؟) خدا مؤاخذه می‌کند و اشکال می‌کند به مسلمان‌ها که چرا نمی‌روید با اینها جنگ کنید؟ آیا از اینها می‌ترسید؟ (فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ) اگر کسی سزاوار ترسیدن است شما از خدا بترسید (إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ).

آیه چهاردهم: عذاب الهی مترصد کفار و مشرکین پیمان شکن؛

بعد می‌فرماید: (قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ) بروید با اینها جنگ کنید، خدا اینها را عذاب می‌کند (بِأَيْدِيكُمْ) به دست شما (وَيُخْزِهِمْ) اینها را خوار می‌کند (وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ) اینها وعده‌های خداست که اگر انسان از خدا بترسد و از کفر نترسد و به جنگ اینها برود، خداوند متعال (يُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ) سینه‌های قومی از مؤمنین را مرهمی می‌نهد و شفایی برای آنهاست، حالا این قوم مؤمنین کدام قبیله هستند در تفاسیر، تعبیر مختلفی آمده است.

آیه پانزدهم: ایمان به خدا عامل از بین برنده‌ی خشم قلوب کفار و مشرکین؛

بعد می‌فرماید: (وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ) خدا خشم قلوب کفار را از بین می‌برد، این واقعاً خیلی عجیب است.

امام خمینی (ره) که این آیات، دهی فجر انقلاب اسلامی است و هم باید بیشتر به یاد امام راحل عظیم الشان و زحمات، برکات و خدمات ایشان باشیم، چه اینکه واقعاً هنوز امام خمینی را نشناختیم. یکی از نکات برجسته امام این بود که به این آیات باور داشت که اگر در مقابل کفر، ما ایستادیم (يُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ ...) (وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ) اینها را باور داشت که خدا خشم قلوب آنها را با این ایمان، اگر انسان مؤمن باشد از بین می‌برد (وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ).

بعد می‌فرماید: (أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا) آیا گمان می‌کنید که همین‌طور رها می‌شوید؟ (وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ) و خدا نمی‌داند، این «نمی‌داند» را گفتند: «علم» به معنای معلوم است؛ یعنی در عالم خارج، آنهایی که مجاهد هستند از آنهایی که غیر مجاهد هستند، جدا نمی‌کند، این (لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ) بلا تشبیه عرض کنم: به شخصی بگویند شما می‌دانی کدام یک از این آقایان سید و کدام شیخ هستند؟ کدام باسواد و کدام بی‌سواد هستند؟ او می‌گوید اینکه در عالم خارج برای من مشخص است؛ پس این علم در مقابل جهل نیست، بلکه «تحقق در عالم خارج» است (وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ) خدا آنهایی را که مجاهدند، جدا نمی‌کند (وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَةً) غیر از خدا و رسول(ص) و مؤمنین، (وَلِجَةً) همان ولوج است، ولوج به معنای دخول است، یعنی انسان کسی را به پنهان و سرّ خودش راه بدهد، به او (وَلِجَةً) می‌گویند، یا در بعضی از تعبیر به «بطانة» تعبیر می‌کنند، انسان مؤمن آن است که خدا و رسول(ص) و مؤمنین را محرم اسرار خودش قرار می‌دهد، نه کفار و مشرکین را؛ پس خدا می‌فرماید: ما اینها را جدا کردیم.

بررسی اقسام سه‌گانه مشرکین از منظر آیات 1 تا 16 توبه؛ حالا ببینید آیا ما می‌توانیم از این آیات استفاده کنیم مشرکینی که پیمان نبستند، بگوییم در این آیات سه گروهند؛ در این آیات شریفه خدای تبارک و تعالی مشرکین را به سه گروه تقسیم کرده است، که عبارتند از:

گروه اول: مشرکینی که اصلاً با مسلمان‌ها پیمان نداشتند؛

گروه دوم: مشرکینی که پیمان داشتند و پیمان را نقض کردند؛

گروه سوم: مشرکینی که پیمان داشتند و پیمانشان را نقض نکردند.

حال آیا در این آیات، احکام مختلفی برای این سه گروه ذکر شده است؟ چه اگر از این آیات استفاده کنیم که لا اقل آن مشرکینی که با مسلمان‌ها پیمان نداشتند، خداوند متعال در مورد آنها می‌فرماید: (فَاتْلُوهُمْ) با اینها جنگ کنید، (حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ) زیرا اینها با شما پیمان نداشتند، چه آنان با شما جنگ کنند و چه جنگ نکنند. یعنی آیا می‌شود که در این مورد، یک اطلاقی را از آن استفاده کنیم که مربوط به جهاد ابتدایی است یا خیر؟ که ان‌شاء الله در جلسه بعد بررسی خواهیم کرد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين